



نقد و بررسی سه اشکال فخر رازی در مورد آیه ولایت

عضو هیئت علمی دانشگاه ضمن بیان سه اشکالی که از سوی فخر رازی درباره آیه ولایت مطرح شده است به نقد و توضیح آنها پرداخت.

عضو هیئت علمی دانشگاه ضمن بیان سه اشکالی که از سوی فخر رازی درباره آیه ولایت مطرح شده است به نقد و توضیح آنها پرداخت.

نشست علمی نقد دیدگاه فخر رازی در آیه ولایت امروز ۱۴ تیر با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین جواد رقوی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه در محل دانشگاه برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می خوانید؛

فردی که قرار است دیدگاه او بررسی شود فرد برجسته و مشهوری است. فخر رازی معروف به امام المشککین که یکی از اندیشمندانی است که در جهان اسلامی دارای نفوذ و اندیشه های فراوانی است و هشتاد اثر برای او نقل شده است. مخصوصاً در مباحث کلامی، خصوصاً کلام اشعری آثار او بسیار مورد توجه است. امروزه در مجامع علمی و در دانشگاه ها برخی آثار او به عنوان متون درسی مورد توجه است. کتاب تفسیر ایشان یکی از مفصل ترین تفاسیری است که در جهان اسلام نوشته شده است. اگر دنبال احتمالات و اقوال مختلف و متفاوت درباره معنای یک آیه هستید یکی از بهترین منابع، تفسیر کبیر فخر رازی است چون روش او این است که احتمالات و اقوال زیادی را ذیل هر آیه بیان کند. برخی شبهاتی که امروزه مطرح می شود عین آنها را در تفسیر کبیر پیدا می کنید. از خصوصیات فخر رازی مباحث استدلالی و مباحث عقلی است یعنی در مقام تفسیر آیات از استدلال به خوبی استفاده کرده و بنابش این است دیدگاه خودش را با استدلال اثبات کند و دیدگاه رقیب را هم با استدلال رد کند.

قرآن می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می دهند و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند]، و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند.

دیدگاه فخر رازی را ذیل این آیه می توانیم در دو مقام دنبال کنیم؛ مقام اول اینکه او چه تفسیری از آیه ارائه داده است و چه معنایی برای واژه ولی مطرح کرده است. بحث دیگر بررسی و نقد فخر رازی در رد دیدگاه شیعه در تفسیر این آیه است. یکبار می خواهیم ببینیم خود فخر رازی چه برداشتی از این آیه داشته است، یکبار ببینیم چه نقدی بر دیدگاه شیعه وارد کرده است. نقد دیدگاه فخر رازی در رد دیدگاه شیعه خودش یک بحث دیگری است.

سه ادعای فخر رازی در مورد آیه ولایت

فخرالدین رازی درباره این آیه سه ادعا را مطرح کرده است: مدعای اول اینکه این آیه مربوط به عامه مومنان است نه یک شخص خاص، ادعای دوم این است که این آیه در سیاق آیات قبل و بعد نازل شده است یعنی میان این آیه و آیات پیشین و بعدی وحدت سیاق برقرار است و شأن نزول این آیات یک واقعه بوده است. بنابراین اگر بخواهیم معنای این آیه را بفهمیم باید کنار آیات قبل و بعد بگذاریم. ادعای سوم فخر رازی استشهاد به آیات دیگری است که می گوید این آیات دیگر هم دلالت بر این دارند، مراد از ولایت نصرت است و مربوط به عامه مومنان است. این مجموعه تفسیری است که فخر رازی ذیل این آیه بیان کرده است.

مدعای اول از چند جهت مخدوش است؛ حمل آیه بر عموم مومنان ناسازگار با کلمه «انما» است. وقتی کلمه انما سر یک گزاره آمد دلالت بر حصر دارد. اگر خدا می خواست حکمی را برای عموم مومنان بیان کند نیاز به کلمه حصر نبود. پاسخ فخر رازی این است در برخی آیات کلمه انما دلالت بر حصر ندارد پس در این آیه هم انما دلالت بر حصر ندارد. این مغالطه است چون ما باید بینم کاربرد اولیه ادات برای چیست. اگر انما برای حصر وضع شده است هر جا انما آمد باید دلالت بر حصر کند و اگر در جایی دلالت بر حصر ندارد جهتی داشته است.

مانع دوم قید «وهم راکعون» است. اگر مراد آیه عموم مومنان است چرا مقید به این قید شده است؟ پس قید «وهم راکعون» آمده حالت خاصی را برای مومنان بیان کند که سبب محدود شدن دایره مومنان شود. فخر رازی در پاسخ می گوید احتمالاتی برای این قید وجود دارد که با وجود احتمالات، این قید بر معنای مورد نظر شیعیان دلالت نخواهد داشت. اشکال ما این است که حرف «واو» در این عبارت واو عطف نیست بلکه واو حالیه است یعنی آن مومنینی که نماز می خوانند و زکات می دهند در حال رکوعند.

یک اشکال دیگر در مدعای فخر رازی این است که خود ایشان در آغاز تفسیرش ذیل این آیه یک بحث روایی کرده است و می گوید آیه درباره امام علی(ع) یا ابی بکر بوده است. جلال الدین سیوطی ده روایت نقل کرده که تصریح دارد این آیه درباره امیرالمومنین(ع) نازل شده است.

مدعای دوم فخر رازی این بود؛ سیاق دلالت دارد آیه مربوط به عموم مومنان است. در آیه قبل خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». مدعای دیگر فخر رازی این است که مراد از ولایت، نصرت است و آیه اختصاص به امیرالمومنین ندارد. وحدت سیاق در مورد آیه ولایت ثابت نیست

اگر وحدت سیاق اثبات شود حرف فخر رازی اثبات می شود ولی چه دلیلی بر وحدت سیاق داریم. علامه طباطبایی این موضوع را در المیزان به تفصیل بحث کرده است. ایشان می گوید وحدت سیاق جایی است که آیات غرض واحدی را بیان کنند اما آیات قبل و بعد مائده غرض واحد ندارند. اولین شاهد علامه این است که روایات نزول این آیات را در حوادث دیگر بیان کرده است، نه ذیل واقعه واحد. علاوه بر این مضمون آیه قبل مذمت به جهت دوستی کفار است ولی در آیه بعد کفار را به خاطر استهزای مومنان توبیخ کرده است پس موضوع آیات متفاوت است.

علاوه بر این فخر رازی می گوید ولایت به معنای نصرت است در حالی که ولی به معنای اولی در تصرف است نه نصرت. امروزه این معنا برای ما مشهور است. یک عده غربی ها را ولی و سرپرست خودشان تلقی می کنند یعنی اگر قرار است تصمیمی گرفته شود آنها باید تصمیم بگیرند. در زمان پیامبر(ص) هم این مسئله وجود داشته لذا خدا در این آیه این باور را مورد نهی قرار است.

مدعای سوم فخر رازی این است که در آیات دیگری خدا مومنان را ولی یکدیگر بیان کرده است، در اینجا هم همان مضمون را تکرار کرده است و ولایت هم به معنای نصرت است. در نقد مدعای سوم باید عرض کنیم اولاً اینکه معنای ولایت نصرت باشد نه معنای دیگر محل بحث است.

ثانیاً این آیات فرموده بعضی مومنین ولی بعضی هستند ولی آیه ولایت می فرماید مومنون ولی شما هستند و اطلاق دارد. پس نمی شود گفت این آیات معنای واحدی را بیان کرده اند. این خلاصه مطلبی بود که در مورد استدلال فخر رازی قابل طرح است.